



زمستان، تان،

پاییز زیبا با همه فراز و نشیب‌هایش، جای خود را به زمستانی سراسر دل‌انگیز و عبرت‌آفرین می‌دهد. در طول اعصار و قرون، نسل به نسل چرخش پاییز به زمستان را چشیده‌اند و تحول زردی پاییز را به سپیدی زمستان تجربه کرده‌اند. در میان این جابه‌جایی، عظمت الهی و نعمت بی‌حد و حصرش، چشم‌نواز است. به قول سعدی:

نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است
شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
تاقیامت سخن اندر کرم و رحمت او
همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار

با این همه، آن ذات لایزال، کرم و رحمت و نعمت خود را نوبت به نوبت به بشر ارزانی می‌کند و قدرت لایتناهی خود را در هر فصل، به گونه‌ای معرفی می‌کند. زمستان، سپیدی، زیبایی و امید آفرینی، بر خلاف اندیشه متداول، در فصل زمستان، کار طبیعت تعطیل نمی‌شود و فزونی نعمت آنقدر مکرر است که ذخایر فراوانی برای بشر در فصل‌های آتی به ارمغان می‌گذارد. آب، این مایه حیات‌بخش در فصل زمستان در قالب باران و برف، منابع زیرزمینی و روزمینی بشر را برای یک سال بعد تأمین می‌کند. با بیداری بهار و رویش زمین، این منابع سخاوتمندانه طبیعت را نو می‌کند، بلبلان را غزل‌خوان و حیات سبز چشم‌نواز میلیون‌ها میلیون، این رستن‌ها و این زیبایی‌ها در بهار، محصول فصل امید آفرین زمستان است که شادی دیدار و آمدن یار را نوید می‌دهد. زمستان پر بار، طبیعت بهاری را دل‌انگیز می‌کند و سوزش تابستان را تحمل‌پذیر. هیچ حسد و حسادت در فصل زمستان نیست که وجود دیگران - بهار و تابستان و پاییز - را طرب‌انگیز می‌کند و همه سرمایه‌های خود را به پای آن‌ها می‌ریزد. زمستان، فصل امید آفرین، الهام‌بخش انسان‌ها نیز هست که ستایش پروردگار یگانه کلید همه گنج‌ها است. بشر - آگاهانه و ناآگاهانه - با غوطه‌ور شدن در فصل پرمهر زمستان، این ادبیات را زمزمه می‌کند:

ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاک ضعیف از تو توانا شده
زیر نشین علمت کائنات
ما به تو قائم چو تو قائم به ذات

آنچه تغییر نپذیرد تویی
و آنکه نمرده‌ست و نمیرد تویی
ما همه فانی و بقا بس تو را
ملک تعالی و تقدس تو را
عقد پرستش به تو گیرد نظام
جز به تو بر ماست پرستش حرام

تا ۶ ماه آینده بزرگ‌ترین رویداد ورزشی با عنوان «بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲» برگزار می‌شود. این بازی‌ها که طبق سنتی دیرین پا گرفته است و طبق سنتی دیگر و به روال همان سنت پیشین، هر ۴ سال یک بار برگزار می‌شود، در چند دوره اخیر خود، بیش از پیش رشد یافته است. با آن که رویدادهای ورزشی فراوانی در بین این دو ۴ سال برگزار می‌شود، ولی بازی‌های المپیک بدون تردید فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ترین رویداد ورزشی است که جهان را به خود مجذوب می‌کند. تحولات اقتصادی وابسته به بازی‌های المپیک از چنان فعل و انفعالی برخوردار است که از سال‌ها قبل از میزبانی بازی‌ها، برای آن در دو سطح ملی و جهانی برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام می‌شود. به‌علاوه وجهه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی و تحولات اقتصادی وابسته به بازی‌ها از نقاط کانونی بازی‌هاست و بازارهای سرمایه‌ای و تولیدی زیادی را با خود همراه می‌کند. بسیاری از تولیدکنندگان کالاهای اقتصادی، از مدت‌ها قبل، هنگام برگزاری و پس از بازی‌ها برنامه‌هایی برای ارائه کالای خود طراحی می‌کنند و عقد قراردادهای کلان اقتصادی در کنار بازی‌ها، به رؤیایی تبدیل شده است که صاحبان کالا و کارخانجات تولیدی از مدت‌ها قبل برای تحقق آن، مشاوره و اقدامات اجرایی را سازماندهی می‌کنند. توجه رسانه‌ای مربوط به بازی‌ها نیز فرصت دیگری در کلان اقتصاد در اختیار صاحبان سرمایه و تولیدات تجاری می‌گذارد که در بین بسیاری از کشورها و کمپانی‌ها برای ورود به این تبلیغات رسانه‌ای و حضور موفق اقتصادی در کنار بازی‌ها، رقابت‌های شدیدی در می‌گیرد. بازی‌ها هم‌چنین محلی است که در آن اندیشه‌های فرهنگی زیادی - از جمله در قالب هنرها - رد و بدل می‌شود. کشورهای فراوانی برای جلب توجه جهانیان به عرضه کالاهای فرهنگی، آنچنان به رقابت برمی‌خیزند که گاهی برای

فصل امید آفرین

ورود به میدان عرضه کالاهای فرهنگی، برنامه‌ریزی‌های طولانی مدتی ۱۰ - ۲۰ ساله انجام می‌شود. همه این‌ها را می‌توان در همان فصل زمستان امید آفرین جست‌وجو کرد. کشورهایی که در این فصل به خواب خرگوشی فرو می‌روند و پیچیدگی رفتار طبیعت را بهانه‌ای برای تعطیل کار و برنامه‌ریزی و تعدیل فعالیت‌های ورزشی می‌دانند، نمی‌توانند در بهار بازی‌های المپیک، بهره‌برداری مناسبی انجام دهند، کسانی که در فصل زمستان به دلیل سردی هوا، برنامه‌ریزی‌های تولیدی رفتارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را تعدیل می‌کنند، از ذخیره‌سازی فصل زمستان کمتر استفاده کرده‌اند. شرایط بازی‌های المپیک می‌گوید برای موفقیت در بهار زیبای بازی‌های المپیک - یک ماه مدت برگزاری فعال بازی‌ها - باید فرصت کشف استعدادها و جوانان را از دست نداد، تجهیزات تمرینی را با تکنیک‌ها و فناوری‌های روز روزآمد کرد و در یک کلام قانون کشت و برداشت را استفاده کرد.

صاحب این قلم، از اهمیت این رویداد در هر فرصتی استفاده کرده و به برنامه‌ریزان و مجریان فعالیت‌های ورزشی و ورزش کشور - در خرد و کلان - یادآوری کرده است که نمی‌توان بدون برنامه‌ریزی طولانی مدت، کشف و پرورش استعدادها و جوانان و جوان، و نداشتن طرح جامع برای ورزش کشور در بهار دلیذر بازی‌های المپیک به برداشتی مناسب - رنگین طلایی، نقره‌ای و برنزی - نائل آمد. هم‌چنین، بارها تذکر داده شده است که حجم برنامه‌ها و عملیات ورزشی در کشورمان به لحاظ کمیت شاید از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در ورزش بیشتر است، ولی به لحاظ کیفی، خیلی زود قانع می‌شویم. قانع بودن در دنیای ورزش حرفه‌ای، همان خفتن در خواب زمستانی است. به علاوه، مجریان و دست‌اندرکاران ورزش کشور، در همه دوره‌های گذشته بازی‌های المپیک در بعد از انقلاب اسلامی، کمتر از افراد مجرب، ماهر و کارآمد و مجهز در حوزه ورزش، فعالیت ورزشی و ورزش بوده‌اند. آن‌ها بیشتر به جای برنامه‌ریزی کلان در حوزه تحت مدیریت خود، به برنامه‌ریزی‌های شناور روی آورده‌اند که دست‌آوردهای مقطعی را بر دست آورده‌های طولی ترجیح داده‌اند. به همین دلیل، همواره در آستانه بازی‌های المپیک، موجی از نگرانی مدیران کلان کشور، مدیران ارشد ورزش، کارشناسان و دست‌اندرکاران رسانه‌ای را احاطه می‌کند

و تحلیل‌هایشان بر اگرها و مگرها استوار می‌شود. باید الگوی بارز و موفق و ویژگی‌های مثبت آن را - که حاصل تجربه هزاران هزار ساعت کار و تحلیل کارشناسی و برنامه‌ریزی‌های دراز مدت می‌باشد - نصب العین قرار داد و بدون هیچ تعصبی، تجربه موفق آن الگو و مدل را به کار گرفت. دستاوردهای چند دوره بازی‌های المپیک نشان می‌دهد کشور چین الگوی موفق در حوزه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی است. بدون تردید چینیان در ۷ - ۸ دوره بازی‌های المپیک، از زمستان بازی‌ها حداکثر بهره‌برداری را کرده‌اند و لایه‌هایی از قهرمانان ورزشی در همه رشته‌ها تربیت و پرورش داده‌اند، که با نبود هر لایه - خارج شدن از دور قهرمانی به دلیل آسیب‌دیدگی‌ها، مسن شدن‌ها و... - لایه بعدی قهرمانان با همان کیفیت در بازی‌ها ظاهر می‌شوند و جای خالی لایه‌های قبلی را به مراتب بهتر از لایه‌های پیشین پر می‌کنند. این الگو، در بازی‌های المپیک موفق بوده است و باید بدون هیچ‌گونه تعصبی، بدان چنگ انداخت. از قرار اطلاعات موجود، پرداختن به ورزش کودکان، نوجوانان و جوانان در سطح مدارس (ابتدایی و دبیرستانی) و در سطح مراکز آموزش عالی، ویژگی ممتاز آن الگو است.

باید به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که نهادها و سازمان‌های ملی در ورزش کشور ما به مراتب قوی‌تر از منافع ملی است و فعالیت‌های ورزشی جزیره‌ای از برنامه‌های ملی فعالیت ورزشی نیرومندتر است. در کلان دولت نیز - به دلیل نبود طرح جامع ورزش - سهم سازمان‌های خلاق در برنامه‌ریزی ورزشی و اختصاص بودجه به آن‌ها، با اثربخشی طولانی مدت آن‌ها مطابق نیست.

متأسفانه، جذابیت‌های رسانه‌ای بیش از حد ورزش در کشورمان - گاهی - باعث می‌شود تا باز دیده‌های استانی، حضور در اردوها و ملاقات با ورزشکاران ملی، استقبال از قهرمانان موفق ورزشی هنگام ورود به کشور، حضور در مسابقات فینال ملی و بین‌المللی بر حضور در اتاق فکر و برنامه‌ریزی اولویت یابد. تغییر رفتار و منحرف شدن از برنامه‌های پیشین - که موفقیتی مؤثر را به دنبال نداشته‌اند - به سوی برنامه‌های فکورانه، نیاز فعلی و آتی ورزش کشور در هر سطحی است.

سردبیر